



دوره آموزشی
آشنایی با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
و راهکارهای سازمانی – مدیریتی تحقق آن

محور دوم: برداشت مفهومی از اقتصاد مقاومتی

مدرس دوره: جناب آقای دکتر غلامحسین فیروزفر

زمان برگزاری: ۱۳۹۳/۰۱/۲۷



فهرست مطالبی که ارائه خواهد شد:

- مقدمه
- تعریف اقتصاد مقاومتی و برداشت مفهومی از آن
- سیمای اقتصاد ایران
- ضرورت‌های پرداختن به مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی
- الزامات اقتصاد مقاومتی چیست
- چند اقدام ضروری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
- جمع بندی

مقدمه

رهبر معظم انقلاب با توجه به مبانی ارزشی، نگاه سیستمی و اقتضات کشور، راهبری امور را با یک نگاه راهبردی و ناظر به افق پیش روی کشور انجام می‌دهند. این راهبری هم معطوف به «وضع موجود» و هم ترسیم‌کننده‌ی «وضع مطلوب» و هم نشان‌دهنده‌ی «مسیر»ی است که می‌بایست از وضع موجود به وضع مطلوب برسیم.

در طول سالهای پس از انقلاب بحمد الله در بسیاری از عرصه‌ها توفیقات قابل توجهی داشته ایم اما در حوزه‌ی اقتصاد علی‌رغم گسترش عمران و آبادانی در سطح ملی، هنوز به اهداف مورد نظر که مهم‌ترین آن پیشرفت و عدالت اقتصادی همه‌جانبه است نایل نشده ایم.

این امر یک نقطه‌ی ضعف و آسیب برای ما شده و متأسفانه دشمن هم با فهم این مسأله، از همین دریچه به ما فشار وارد می‌کند. اعمال تحریم‌های گسترده‌ی اقتصادی علیه ایران به این دلیل است که آن‌ها می‌دانند ما در زمینه‌ی اقتصادی ضعف داریم.

اکنون بیش از ۳ سال است که واژه اقتصاد مقاومتی در گفتمان اقتصادی نظام جمهوری اسلامی وارد شده و با تلاش و کوشش های درخور توجهی که در این زمینه صورت گرفت خوشبختانه سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری ابلاغ و جهت اجرا در اختیار مسئولین کشور قرار دارد تا در قالب یک الگوی اقتصادی در اولویت برنامه های توسعه قرار گیرد.

منظور از این کارگاه آموزشی جلب توجه شما مدیران ، کارشناسان و دست اندرکاران محترم حوزه های مختلف به مباحث مهم و قابل تأمل اقتصاد مقاومتی و نقش موثرتان در اعتلا و کاربردی شدن این پارادایم مهم راهبردی برای شکوفایی اقتصاد میهن اسلامی است.

اگر امروزه قدرت بازدارندگی ایران اسلامی در ابعاد موشکی، پدافند هوایی، ناوگان دریایی و تولیدات سلاح های بومی، گزینه نظامی دشمنان بین المللی ما را به سخره گرفته و حریف زورگو را به وحشت انداخته است، بی شک توجه به الزامات اقتصاد مقاومتی و نهادینه سازی اقتدار اقتصادی کشور برای مواجهه با مخاطرات و تهدیدهایی که ممکن است در ابعاد مختلف با آن مواجه باشد، هزینه های مترتب بر این مخاطرات و تهدیدها را تقلیل خواهد داد.

مقام معظم رهبری فرمودند سیاستهای ابلاغی علایم راهنما هستند و لازم است صاحب نظران و کارشناسان روی آنها کار کنند و با برنامه ریزی دقیق و تدوین اقدامات اجرایی، مرحله به مرحله اجرا و با نظارت مستمر و ارزیابی نتایج تحقق آنها را پیگیری نمایند.

یکی از مهمترین وظایف ما و شما مدیران و کارشناسان عزیز دستگاههای اجرایی تبیین وجه تمایز اقتصاد مقاومتی در برابر اقتصاد ترجمه‌ای مرسوم است. . اقتصاد مقاومتی می‌بایست از یک شعار فانتزی به مصادیق عینی و قابل فهم برای عموم فعالان و کارشناسان اقتصادی بدل گردد. باید نشان داد که اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد مترقی برای ملت‌های ارزشمداری است که نمی‌خواهند در پازل استکبار به بازی گرفته شوند و پیشرفت را در کنار عزت و اقتدار سیاسی طلب می‌کنند.



تعریف اقتصاد مقاومتی و برداشت مفهومی از آن

« اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» مقام معظم رهبری

البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان میدهد و اجازه میدهد که حتی در شرائط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است.

برداشت مفهومی اصلی از طرح ادبیات اقتصاد مقاومتی، ارتقاء استحکام، مقاومت ، تاب آوری و انعطاف پذیری اقتصاد ملی در مقابل مخاطرات و بی اطمینانی های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و است.

اقتصاد مقاومتی، فرآیندی بلند مدت است که باید امکان جذب و حل شوک‌های موقت یا دائم را داشته باشد و بتواند با سرعت مورد نیاز با شرایط به وجود آمده تطبیق یافته و ثبات خود را حفظ کند.

معنی اقتصاد مقاومتی، بگیر و ببندهای اقتصادی نیست بلکه برعکس مردمی کردن و گشایش کارها و واگذاری کارها به مردم و آزادی عمل مردم در امور اقتصادی است.

اقتصاد مقاومتی را میتوان به عبارتی حرکت از عدم تعادل در زیر نظامهای اقتصادی به تعادل جدیدی در زیر نظام های اقتصادی دانست.

نظریه فکری حاکم بر سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی ، انتقال از اقتصاد متکی بر منابع به اقتصاد متکی بر دانش و نیروی انسانی است.

آنچه که از اقتصاد مقاومتی برداشت می‌شود، یک اقتصاد ریاضتی و ایستا نیست بلکه یک اقتصاد منعطف و چابک است که قدرت مقابله با فشارهای بیرونی و درونی را دارد و می‌تواند در هر شرایطی شاخص‌های کلان اقتصادی را در سطح مناسب نگه دارد.

با توجه به تاکیدی که اقتصاد مقاومتی بر مشارکت آحاد مردم در فعالیتهای اقتصادی دارد و نتایجی که در حوزه های کارآفرینی، توانمندسازی نیروی کار، ارتقاء تولید، ارتقاء سرمایه انسانی و سهم بری مناسب از ارزش افزوده بدست می آید ، می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی عدالت گرا و عدالت محور است.

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود، که قطعا باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است.

اجرای سیاستهای اقتصاد مقاومتی صرفاً با اتکاء به سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و مردمی کردن اقتصاد صورت میگیرد.

اگر اجرای سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی را محرک و موتور اول توسعه اقتصادی کشور تلقی کنیم، سیاستهای اقتصاد مقاومتی را میتوان محرک دوم و موتور دوم اقتصاد کشور تلقی کرد که جهش اقتصادی را تسهیل می نماید.



• سیمای اقتصاد ایران

- ایران با یک درصد مساحت کل جهان هفدهمین کشور بزرگ جهان است.
- و مساحت آن از جمع کشورهای فرانسه، آلمان، هلند، بلژیک و اسپانیا بزرگتر است.
- یک درصد جمعیت جهان در ایران ساکن هستند. جمعیت ایران از جمع جمعیت انگلستان و فرانسه بیشتر است.
- ایران پل ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا است. جایی که یک سوم جمعیت جهان در آن حضور دارند.
- ایران ۸۰۰ مایل ساحل دارد. حدوداً نیمی در خلیج همیشه فارس و نیمی در دریای خزر
- ۹ درصد کل ذخایر نفت جهان در ایران قرار دارد (رتبه پنجم جهان)

- **ادامه سیمای اقتصاد ایران**

- **ایران دارای ۱۶ درصد کل ذخایر گاز جهان است (یعنی رتبه دوم جهان)**
- **۳ درصد منابع معدنی جهان (۶ درصد منابع مس، ۳.۵ درصد منابع سرب و روی، ۱۰.۵ درصد منابع زغال سنگ و ۲ درصد منابع سنگ آهن جهان و...) را در خود جای داده است.**
- **ارزش کل تولید ناخالص ما حدود ۵۵۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ با عنوان هیجدهمین اقتصاد جهان بوده است.**

نرخ رشد اقتصادی کشورهای منتخب طی سالهای ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۳

پیش بینی		تحقق یافته (۱)				
بانک جهانی (ژانویه ۲۰۱۳)		صندوق بین المللی پول (اکتبر ۲۰۱۲)				
۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	
۲/۴	۲/۳	۳/۶	۳/۳	3/8	5/1	جهان
۱/۹	۲/۲	۲/۱	۲/۲	1/8	2/4	امریکا
۸/۴	۷/۹	۸/۲	۷/۸	9/2	10/4	چین
-۰/۱	-۰/۴	۰/۲	-۰/۴	1/4	2	ناحیه یورو
۰/۸	۱/۹	۱/۲	۲/۲	-۰/۸	4/5	ژاپن
۳/۶	۳/۵	۳/۸	۳/۷	4/3	4/3	روسیه
۶/۱	۵/۱	۶	۴/۹	6/8	10/1	هند
۳/۴	۰/۹	۴	۱/۵	2/7	7/5	برزیل
۴	۲/۹	۳/۵	۳	8/5	9/2	ترکیه
۰/۶	-۱	۰/۸	-۰/۹	2	5/9	ایران
۳/۸	۳/۷	۳/۳	۳/۷	3	3/1	پاکستان
		۲/۶	۴	5/2	1/3	امارات متحده
		۴/۲	۶	7/1	5/1	عربستان سعودی
		۴/۲	۶/۵	5/2	8/4	افغانستان

Source: 1) International Monetary Fund World(IMF) - Economic Outlook-October 2012

2) World Bank - Global Economic Prospects - January 2013

(۱) - مقادیر سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول می باشد

➤ تداوم کم رشدی در اقتصاد جهانی

➤ بهبود نسبی رشد اقتصادی کشورهای طرف تجاری ایران (از جمله هند، چین و ترکیه)

➤ تداوم رکود در اتحادیه اروپا

➤ کاهش رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

نرخ بیکاری طی سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی

منطقه/کشور	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
چین	۴/۱	۴/۱	۴/۱
ترکیه	۹/۸	۹/۴	۹/۹
اسپانیا	۲۱/۷	۲۴/۹	۲۵/۱
ایتالیا	۸/۴	۱۰/۶	۱۱/۱
آمریکا	۹/۰	۸/۲	۸/۱
یونان	۱۷/۳	۲۳/۸	۲۵/۴
کره	۳/۴	۳/۳	۳/۳
ژاپن	۴/۶	۴/۵	۴/۴
کشورهای توسعه یافته	۷/۹	۸/۰	۸/۱
کشورهای در حال توسعه آسیایی	۳/۶	۳/۵	۳/۵

نرخ تورم طی سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی

	تحقق یافته		پیش بینی	
	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
امریکا	۱/۶	۳/۱	۲	۱/۸
چین	۳/۳	۵/۴	۳	۳
ناحیه یورو	۱/۶	۲/۷	۲/۳	۱/۶
ژاپن	-۰/۷	-۰/۳	۰	-۰/۲
روسیه	۷/۲	۱۰/۱	۶/۸	۷/۷
هند	۱۲	۸/۹	۱۰/۲	۹/۶
برزیل	۵	۶/۶	۵/۲	۴/۹
ترکیه	۸/۶	۶/۵	۸/۷	۶/۵
ایران	۱۲/۴	۲۱/۵	۲۵/۲	۲۱/۸
پاکستان	۱۰/۱	۱۳/۷	۱۱	۱۰/۴
امارات متحده	۰/۹	۱/۰	۰/۷	۱/۶
عربستان سعودی	۵/۴	۵	۴/۹	۴/۶
افغانستان	۷/۷	۱۱/۸	۶/۶	۶/۷

World Economic Outlook Database, October 2012

- ثبات نسبی نرخ تورم جهانی
- کاهش نرخ تورم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
- افزایش نرخ بیکاری در کشورهای حوزه یورو
- ثبات نسبی نرخ بیکاری در کشورهای در حال توسعه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و مناطق مختلف

برآورد رشد ۲۰۱۳ (درصد)	ارزش (میلیارد دلار)			شرح
	برآورد ۲۰۱۳	برآورد ۲۰۱۲	۲۰۱۱	
۱۳	۱۸۰۰	۱۶۰۰	۱۵۰۰	جهان
۱۲	۹۰۰	۷۸۰	۷۴۸	کشورهای توسعه‌یافته:
۱۰	۵۰۰	۴۳۰	۴۲۱	اتحادیه اروپا
۹	۳۰۰	۲۷۰	۲۶۸	آمریکای شمالی
۱۰	۸۰۰	۷۲۰	۲۸۴	کشورهای حال توسعه:
۳۰	۸۰	۶۰	۴۳	آفریقا
۱۵	۲۵۰	۲۱۰	۲۱۷	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب
۸	۵۰۰	۴۵۰	۴۲۳	آسیا
۱۵	۱۲۰	۱۰۰	۹۲	اقتصادهای نوظهور

UNCTAD, World Investment Report 2012

- بهبود رشد جهانی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با سال ۲۰۱۲ میلادی
- رشد نسبی در بین هر سه گروه کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور

عرضه و تقاضای نفت (میلیون بشکه در هر روز)

رشد ۲۰۱۳ به ۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	
۰/۸	۸۹/۶	۸۸/۸	تقاضای جهانی
۰/۹	۵۳/۸	۵۲/۹	عرضه غیر اوپک
-۰/۱۳	۲۹/۷	۳۰/۱	عرضه اوپک
۰/۲	۶/۱	۵/۸	تقاضای اضافی

Source: world Bank June 2012

❖ رشد ملایم تقاضای جهانی نفت

❖ کاهش عرضه اوپک و افزایش عرضه غیر اوپک

❖ افزایش مازاد تقاضای نفت در بازارهای جهانی و در نتیجه احتمال فشار افزایشی بر قیمت های نفت

آمار قیمت سبد نفت خام اوپک و نفت سنگین ایران ۹۱-۱۳۸۹

۱۳۹۱			۱۳۹۰				۱۳۸۹				شرح
فصل سوم	فصل دوم	فصل اول	فصل چهارم	فصل سوم	فصل دوم	فصل اول	فصل چهارم	فصل سوم	فصل دوم	فصل اول	
۱۰۷/۳	۱۰۶/۶	۱۰۶/۴	۱۱۷/۴	۱۰۸/۱	۱۰۸/۵	۱۱۲/۴	۱۰۱	۸۳/۸	۷۴/۳۱	۷۶/۶	قیمت سبد نفت خام اوپک (بشکه/دلار)
۱۰۷/۲	۱۰۶/۴	۱۰۶	۱۱۶/۹	۱۰۶/۹۵	۱۰۶/۹	۱۱۰/۶	۱۰۲/۲	۸۳	۷۲/۶	۷۶	قیمت نفت خام سنگین ایران (دلار بشکه)

آخرین قیمت‌های پیش بینی شده برای نفت خام و نفت خام برنت طی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۳ میلادی توسط سازمانهای بین المللی (دلار/بشکه)

۲۰۱۳ میلادی		۲۰۱۲ میلادی		تاریخ پیش بینی	شرح
نفت خام برنت	نفت خام	نفت خام برنت	نفت خام		
۱۰۵/۱۷	۹۴/۲۷	۱۰۹	۱۰۰/۲۲	ژانویه ۲۰۱۳	اداره اطلاعات انرژی امریکا
۱۱۰	-	۱۱۵	-	ژانویه ۲۰۱۳	موسسه مورگان استنلی
۱۰۷/۵	-	۱۱۱/۷	-	دسامبر ۲۰۱۲	بانک SEB سوئد
-	۱۰۵/۱۰	-	۱۰۶/۱۸	اکتبر ۲۰۱۲	صندوق بین المللی پول
-	۱۰۳	-	۱۰۶/۶	ژوئن ۲۰۱۲	بانک جهانی

❖ پیش بینی متوسط قیمت نفت های مشابه نفت ایران بین ۱۰۵ تا ۱۱۰ دلار در سال ۲۰۱۳

رشد بورسهای مهم جهان (درصد)

ردیف	شرح	*۲۰۱۲	پیش‌بینی **۲۰۱۳
۱	آسیا:		
	چین (Shanghai)	۹	۱۷
	هند (NSE)	-	۱۵
	ژاپن (Nikkei)	۲۰	۱۵
۲	اروپا:		
	آلمان (DAX)	۱۱	۲۹
	فرانسه (CAC)	۶	۱۱
	ایتالیا (FTMIB)	-۰/۵	۱۱
۳	آمریکا (Dow Jones)	۸	۸/۵

*منبع: بلومبرگ

**منبع: رویترز

□ پیش‌بینی روند افزایشی بازارهای سهام در سال ۲۰۱۳ میلادی بویژه بواسطه رشد بازارهای مالی

اقتصادهای بزرگ نوظهور مثل هند و چین تداوم داشته باشد.

ضرورت‌های پرداختن به مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی

یکی از مشکلات اساسی در کشور، گران تمام کردن امور و فعالیت‌هاست، دولت‌ها گران کار میکنند، محصولی که از دولت تحویل میگیریم نه کیفیت و نه ارزش آن به میزان هزینه‌هایی که برای آن انجام داده ایم نیست. بطور مثال هزینه‌هایی که در بخش آموزش و بهداشت انجام می‌شود قابل مقایسه با خدمات دریافتی است؟ آن هم با این همه سرمایه‌گذاری‌های سنگین فیزیکی و سرمایه‌های ثابت که در اختیار دولت‌ها قرار گرفته است. لذا عدم مدیریت بهینه منابع و اعتبارات یکی از دلایل مهم ضرورت ایجاد تغییر و تحول در ساختار اقتصادی کشور است.

نظام بودجه ریزی فعلی متکی به نفت و درآمدهای نفتی است. اعتبارات در مقابل قیمت تمام شده خدمات برآورد و پرداخت نمی‌شود. این نظام باید متحول شود و در چارچوب اقتصاد مقاومتی طراحی گردد. واقعاً مشکل ما کمبود درآمد و اعتبار نیست، مشکل مدیریت کارآمد و بهینه منابع در اختیار است که به درستی اولویت بندی نمی‌شود و مشارکت بخش خصوصی و تعاونی در فعالیت‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

منابع معطل مانده کشور (جوانان، سرمایه‌های انسانی، منابع طبیعی عظیم موجود در عرصه‌های مختلف) بخوبی بکار گرفته نمی‌شود. سرمایه انسانی ما به هر جا می‌روند افتخار می‌آفرینند، چرا از این ظرفیت‌ها به استثنای موارد معدودی بخوبی استفاده نمی‌شود.

تغییر سبک زندگی هم در زمینه سلوک فردی و اجتماعی و هم در زمینه تغذیه که منجر به افزایش بیماریهای نوپدید و مزمن گردیده باید از وضعیت فعلی خارج شود. در تغییر سبک زندگی نمی توان نقش دولت را در صدور مجوزها، واگذاری اعتبارات، برنامه ریزی، خریدهای تضمینی در نظر نگرفت. لذا توجه به الگوی تولید و توجه به سلايق مردم و جهت دادن این سلايق به سمت و سویی که مبتنی باشد بر ظرفیتهای کشور و حفظ استقلال اقتصادی و امنیت غذایی امری ضروری است.

بی ثباتی ضوابط و مقررات اقتصادی و میزان بالای سطح مداخله دولت در امور اقتصادی. دولت می-تواند انگیزه فعالیتهای اقتصادی در مردم را از طریق کاهش مداخلات دولت، ثبات در قوانین و اعمال وظایف حاکمیتی به نحو مطلوب و تسهیل فرآیند کسب و کار (دولت الکترونیک) افزایش دهد.

آسیب پذیری و ضعف ساختارهای تولیدی کشور. از کشوری که از نظر اقتصادی آسیب پذیر و وابسته به سیل عظیم واردات (کالاهای مصرفی) است و وابستگی شدید به درآمدهای نفتی دارد، انتظار زیادی خواهد بود که در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی استقلال عمل زیادی داشته باشد.



بررسی روند رشد اقتصادی کشور در ۵۰ سال گذشته نشان میدهد که متوسط نرخ رشد در این سالها ۴/۸ درصد بوده است. این میزان رشد سالیانه برای رسیدن به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴ کافی نیست و ما نیازمند اصلاحات و تحول اساسی در سیاستهای اقتصادی کشور هستیم و سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی زمینه ها و بستر لازم برای این تحولات مبارک را فراهم می کند.

یکی از مشکلات و چالشهای اقتصاد ایران بالا بودن هزینه مبادله و پایین بودن ضریب امنیت حقوقی است. سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی بر ضرورت تهیه و تنظیم قوانین و مقررات لازم و روشن برای حمایت از مبادلات و معاملات تاکید دارد تا بر اساس ضوابط حقوقی دقیق برای حل و فصل سریع موارد اختلافی اقدام گردد تا اینقدر شاهد تشکیل پرونده های حقوقی در قوه قضاییه نباشیم.

برای حل این معضل که تسریع کننده مسیر حضور فعال بخش خصوصی در اقتصاد است ، مجلس شورای اسلامی باید در تنظیم قوانین جدید و قوه قضاییه در راه-کارهای حل اختلاف ورود سریع و عاجل داشته باشند تا فضای بی اطمینانی و ریسک پذیری شروع فعالیتهای اقتصادی کم رنگ شود.

نظام مند نمودن رفتار و مداخلات دولت در امور اقتصادی و ثبات تصمیمات و قوانین ضرورت مهم دیگر اقتصاد مقاومتی است. اگر قوانین و ضوابط بدون مطالعه و بررسی های کارشناسی قبلی تصویب شود و در مقام عمل لازم باشد که این ضوابط هر روز اصلاح شوند، مثال تولید ماشینی است بی کیفیت که خدمات پس از فروش آن هر روز درگیر تعمیر و رفع اشکال آن است.



الزامات اقتصاد مقاومتی چیست؟

۱- اصلاح الگوی مصرف: «مسئله مدیریت مصرف، یکی از اهداف اصلی و از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است.» مقام معظم رهبری

جلوگیری از اسراف مستلزم دو راهبرد فرهنگ‌سازی و اقدام عملی است. فرهنگ‌سازی نیز بیشتر به عهده‌ی رسانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی مسئول است. اینکه ما بعنوان یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی نباید اینقدر در زندگی‌مان اهل اسراف باشیم باید به یک فرهنگ تبدیل شود! در بخش عملیاتی هم ما دولتی‌ها باید از خودمان بعنوان یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ در دستگاه اجرایی خودمان آغاز کنیم. نفی تکاثر درعین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف درعین ترویج مصرف میانه و... بایستی محور توجه قرارگیرند. اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف بهینه باید مد نظر ما مدیران و کارشناسان قرار گیرد.

۲- حمایت از تولید ملی: تأکید مقام معظم رهبری در ابتدای سال گذشته بر ضرورت تداوم "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی"، مبین سه وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می باشد، سه حلقه ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم، تاثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن، به این تعامل وابسته است. یعنی هرچه قدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به خرید کالای تولید داخلی نخواهد بود. اگر تولیدکننده هم برای تولید کالای باکیفیت همت کند ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی، فضای کسب و کار را سخت کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی رغبت باشند، بازهم نتیجه منفی خواهد بود. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.



۳- اجرای بی کم و کاست سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و مردمی سازی

اقتصاد: محدودسازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. یک اقتصاد فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می باشد.

بخش خصوصی موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با بکارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ایفای نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، میتواند اهداف توسعه ای دولت را محقق نماید.

اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر مخاطراتی است که آنرا تهدید می کند.

تا وقتی بخش خصوصی برای انجام فعالیت‌هایش آزادی نداشته باشد و برای توانمندسازی آن نکوشیم و در جهت رقابتی شدن فضای اقتصادی تلاش نکنیم، تنها با انجام واگذاری‌ها که آن‌ها هم عمدتاً به نهادهای عمومی غیردولتی انجام شده‌اند، نمی‌توانیم ادعا کنیم که اقتصادی مردمی داریم. «مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. البته این دولتی نبودن به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛»

در عین حال در کنار واگذاری امور اقتصادی به مردم باید بکوشیم که فعالیت‌هایمان را برای توانمندسازی بنگاه‌های داخلی به طور جدی بهبود بخشیم. اگر به توانمندسازی توجه نکنیم، بدون شک بخش خصوصی توان ورود به عرصه‌های مختلف اقتصادی را نخواهد داشت.

در این ارتباط لازم است بازار سرمایه و بازار پول در خدمت بخش خصوصی قرار گیرد و منابع مالی لازم برای فعالیت این بخش فراهم آید تا بتواند وارد میدان فعالیت‌های بزرگ شود. این در حالی است که تاکنون اجازه نداده‌ایم بخش خصوصی قدرت مانور زیادی پیدا کند. از این رو باید از سازوکارهای بازار پول و سرمایه استفاده کنیم تا بخش خصوصی حداقل‌های لازم را برای ورود به عرصه‌های مختلف داشته باشد.

باید بکوشیم که دولت در صورت لزوم به عنوان حامی در کنار بخش خصوصی قرار گیرد و آن را مطمئن کند که حداقل‌های مورد نیاز برای فعالیتش فراهم است. برای پرهیز از هر گونه فساد و رانت‌خواری نیز حمایت‌ها باید از همان آغاز نظام‌مند، شفاف، تعریف‌شده، قانونمند و بی‌تبعیض باشد، نه اینکه دولت از بنگاه‌ها حمایت کند و بعد برای جلوگیری از فساد، موانع قانونی تعریف کنیم. نخست باید حمایت‌ها در تمامی حوزه‌ها را به شکلی شفاف، تعریف کنیم و بعد همه‌ی اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش خصوصی که به فعالیت‌های اقتصادی وارد می‌شوند، بتوانند به شکلی عادلانه از این حمایت‌ها برخوردار شوند.

۴- توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین: نخبگان افراد برجسته و کارآمدی هستند که اثرگذاری آنها در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری آنان در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری‌های نوین مشمول تحریم قرار می‌گیرند و دشمنان اجازه نمی‌دهند این فناوری‌ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، میتوان این فناوری‌ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان‌دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگیهای اقتصاد مقاومتی است و نیز باید شرایط به گونه ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی درخصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم‌ها عمل می‌کند.

۵- قطع وابستگی به درآمد نفت و اقتصاد بدون نفت: سازوکارهای حوزه اقتصادی

بایستی به گونه ای مورد بازبینی قرارگیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی شده و درخصوص آن تصمیم گیری گردد. درموارد کم اهمیت تر می توان این حوزه ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد.

کاهش وابستگی به نفت یکی از الزامات مهم و اساسی اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله اخیر تاریخ کشور ماست. اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده ایم. امروز صنایع دانش بنیان از جمله کارهایی است که می تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیت های گوناگونی در کشور وجود دارد که می تواند این خلأ را پر کند.

ضعف اقتصاد ایران در وابستگی به اقتصاد تک محصولی نفت، راه حل تحریم نفتی را پیش پای غرب قرار می دهد. نفت که می توانست ابزار فشار ما بر غرب باشد امروز ابزار فشار غرب بر اقتصاد ایران شده است و اینجاست که جای خالی اقتصاد مقاومتی احساس می شود.

۶- فرهنگ‌سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی : توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه‌ی داخلی، اتکا بر اقتصاد «دانایی محور»، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی و محصولات زیربنایی، مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی‌اند. ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست.

۷- استفاده‌ی حداکثری از زمان، منابع و امکانات: استفاده حد اکثری از زمان باید مورد نظر و توجه جدی مدیران باشد. متأسفانه اجرای طرح‌های عمرانی سال‌های متمادی طول میکشند، و با تاخیر به بهره‌برداری می‌رسند. این پدیده باید در چارچوب مدیریت منابع و نظام بودجه ریزی مورد توجه مسئولین قرار گیرد.

در همین ارتباط دولت باید با شناسایی بخش‌های پیش‌ران و روشن کردن رابطه آنها با سایر بخش‌ها در چارچوب تئوری توسعه کشور **(که باید تعریف شود)** مردم را به مسیر درست مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی هدایت کند. نقشه راه باید به گونه‌ای طراحی شود که آحاد مردم نوع و روش مشارکت خود در ایجاد یک حماسه اقتصادی بدانند و به آن عمل کنند. این به معنی یک مدیریت کارآمد برای بکارگیری ظرفیت‌های انسانی، مالی و فیزیکی نظام است.

۸- حرکت بر اساس برنامه: آنچه مسلم و قطعی به نظر می‌رسد این است که با برنامه‌ریزی متداول کشور در مقیاس بودجه و برنامه‌های ۵ ساله توسعه نمی‌توان به اقتدار اقتصادی در سطح منطقه در ابعاد سند چشم‌انداز ۲۰ ساله دست یافت. این بدان معنی است که می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه‌ای کشور الزامات اقتصاد مقاومتی همچون مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت و حرکت براساس برنامه و خودداری از تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، نهادینه‌سازی شده و در سرلوحه اقدامات قرار گیرد و امکان عدول از این الزامات وجود نداشته باشد. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، تکیه کردن بر نظرات غیرکارشناسی، و اعتماد کردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب جزو ضربه‌هایی است که به اقتصاد مقاومتی وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه میزند.

۹- تعریف نمودن نقش بنگاهها، افراد و ذینفعان در راستای استحکام اقتصاد

کشور: ذینفع فرد، گروه یا سازمانی است که می‌تواند بر نگرش، منابع یا خروجی‌های یک سازمان یا یک سیاست تأثیر گذارد و یا از خروجی‌های آن تأثیر پذیرد. تحلیل ذینفعان در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی بسیار ضروری است. همراستا کردن منافع فرد، بنگاه و منافع ملی یکی از مهمترین الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی است. در شرایط جدید باید منافع افراد و بنگاهها مورد توجه دقیق قرار گیرد.

۱۰- انتشار اطلاعات پایه تولید، شفافیت نظام اطلاع رسانی: اطلاع رسانی و شفافیت یکی از وجوه تقویت ساختار اقتصاد کشور است. شفافیت و گردش صحیح اطلاعات یکی از شاخصه های مدیریت سالم و از ویژگی های حاکمیت خوب بشمار می رود. شفاف سازی و آگاهی بخشی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام اداری با تأکید بر دسترسی آسان و ضابطه مند مردم به اطلاعات صحیح است که عینا در سیاستهای کلی نظام اداری توسط مقام معظم رهبری نیز ابلاغ گردیده است..

۱۱- استفاده از شرکتهای دانش بنیان در کلیه فعالیتهای اقتصادی: محور اصلی فعالیت شرکتهای دانش بنیان خلق، توسعه، بکارگیری دانش و فناوری است و با هدف گسترش و کاربرد اختراع، نوآوری و تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه شامل طراحی و تولید کالا و یا خدمات در حوزه فناوریهای برتر و یا فناوریهای با ارزش افزوده بالا به منظور هم افزایی علم و ثروت در کشور فعالیت می کنند. بطور مثال در حوزه فعالیت کشاورزی این موسسات میتوانند در فرآیند اصلاح بذر، شبکه آبیاری، فرآیند برداشت محصول، بسته بندی و صنایع تبدیلی وابسته به آن ، شبکه توزیع، بازاریابی و فروش و حتی تبلیغات مورد استفاده قرار گیرد

۱۲- نظام گفتمان سازی و تبدیل اقتصاد مقاومتی و تاب آوری اقتصاد به یک

گفتمان رایج: ادبیات اقتصاد مقاومتی باید رایج و سازماندهی شود و این ادبیات به ارزش های فرهنگی و اقتصادی تبدیل گردند. بدیهی است که هدف این گفتمان سازی باید جوانان و نسل های سوم و چهارم انقلاب باشند. نهاد سازی و همراه و هماهنگ نمودن سیاستهای پولی، مالی و ارزی کشور در راستای تحقق این امر یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. ما نیازمند تغییرات جدی در ساختار نظام برنامه ریزی و اجرایی کشور که لازمه رشد اقتصادی شتابان است هستیم تا اهداف سند چشم انداز تحقق پیدا کند.

۱۳- مبارزه با مفساد اقتصادی و سوداگری: یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی فسادستیزی است؛ اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید در صحنه اقتصادی امنیت داشته باشند. برای تامین امنیت اقتصادی باید دست مفسدان و رانت خواران و دورزننده گان قانون بسته شود. لذا شفاف‌سازی، شرط اصلی فسادستیزی است؛ شفاف‌سازی موجب خواهد شد فضای رقابتی و با ثبات به‌وجود آید، فعال اقتصادی در این شرایط خواهد آمد و احساس امنیت خواهد کرد.

در چنین فضایی آن کسی که با ابتکار خود یا سرمایه خود و یا با کارآفرینی خود ثروتی به‌دست می‌آورد، نظام اسلامی از او حمایت خواهد کرد

منظور از سوداگری، فعالیت‌های غیرمولدی است که از تلاطمات و نوسان‌های بازار سوء استفاده نموده و بهره‌مندیهایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند.

۱۴- اراده ملی و توافق نخبگی در اقتصاد مقاومتی : یکی از مهمترین الزامات اقتصاد مقاومتی عزم ملی و بسیج همگانی است. تنها و فقط یک اراده ملی و توافق نخبگی می‌تواند زمینه‌های باروری ظرفیت‌های درونی کشور را فراهم کند. اگر بخشی از نخبگان ما به جای توجه به این همه ظرفیت درونی شیفته زرق و برق‌های توخالی بیرون از کشور شوند و این شیفتگی به نوعی خودباختگی منجر شود نمی‌توان به تحقق اهداف روشن اقتصاد مقاومتی امیدوار بود.

۱۵- اصلاح ساختار و سیاستهای اقتصادی دولت بر اساس اقتصاد مقاومتی:

-اصلاح ساختار ناکارآمد بروکراتیک اداری دولت، حذف موازی کاری و کاهش موانع پیش روی فعالیت سالم اقتصادی مردم

-اصلاح ساختار بودجه کشور و کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و ارزی

- ایجاد زیرساخت های نظارتی- اطلاعاتی در دولت جهت تحقق عملی سیاست ها (بانک های اطلاعاتی ثروت افراد، حساب-های بانکی، فعالیت-های اقتصادی و ...)

- اصلاح ساختار تجارت خارجی و جایگزینی ارزهای دیگر به جای دلار (سبد ارزی)

- اصلاح ساختار پولی- مالی و انحصارزدایی از شبکه بانکی کشور (پیگیری طرح تحول بانکی براساس بانکداری اسلامی)

- مبارزه با فساد دولتی و اشرافیت اداری (تضعیف مافیای اداری و باند قدرت دولتی؛ کاهش قاچاق رسمی، کاهش قدرت مافیای پولی و بانکی)

- اصلاح ساختار غیر مولد بخشهای مختلف اقتصادی (مبارزه جدی با رانت خواری، واسطه گری و سفته بازی)

- توجه به اتاقهای فکر و برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت در بدنه دولت

- مالیات بر مصرف کالاهای لوکس و غیرضروری و اعطای یارانه به تولیدات ضروری

- مالیات بر دارایی های مصرفی و معافیت مالیاتی بر دارایی - های تولیدی

- حمایت مالی و حقوقی از شرکت های دانش بنیان نوپا

- دیپلماسی فعال کشور در کشف بازارهای خارجی و اتصال آن به تولید داخل و حضور فعال در اقتصاد جهانی

- حرکت به سمت تولید صیانتی نفت و جایگزینی انرژی های تجدید پذیر، عدم استفاده از نفت به عنوان منبع انرژی بلکه به عنوان منبع تولید کالای واسطه ای و در خدمت تولید

- کاهش تورم از طریق کاهش وابستگی تولید کشور به درآمدهای دلاری و حذف بازار واسطه گری در ارز، افزایش عرضه و کاهش تقاضای ارز، کنترل نقدینگی، رعایت انضباط مالی

- کاهش بیکاری با تکیه بر آموزش نیروی کار، کاهش نوسانات قیمت و تورم، اصلاح روند خصوصی سازی از سپردن مالکیت به سپردن مدیریت و اجرای طرح آمایش سرزمین با محوریت تمرکز زدایی (خصوصا از شهرهای بزرگ) و توسعه مدیریت روستایی

- توجه به بخش خصوصی در کنار دولتی مقتدر و کارآمد به همراه نظام تامین اجتماعی جامع

- توجه به مزیت های منطقه ای و ملی در جهت شکوفایی استعدادهای تولیدی

- احیای فرهنگ جهادی در اقتصاد

- توجه به لوازم فرهنگی و سیاسی کوتاه مدت و بلندمدت تصمیمات اقتصادی

- توجه جدی به ضرورت تهیه سند الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی



اقدامات ضروری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

۱- نگرش سیستمی و پرهیز از اقدامات مجزا و موازی

۲- پالایش قوانین موجود و وضع قوانین جدید با توجه به سیاست های کلی

۳- اقدامات رسانه ای برای تبدیل مساله به یک گفتمان ملی

۴- اصلاح قوانین بانکی، مالیاتی، گمرکی و دیگر قوانین اقتصادی

۵- اقناع نیروی انسانی عامل نسبت به ضرورت سیاست های اقتصاد مقاومتی

۶- نظارت نهادهای عالی بر حسن انجام اقدامات دستگاهها

۷- متناسب بودن لایحه بودجه با سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

۸- اصلاح سرفصلهای دروس دانشگاهی با توجه به سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

جمع بندی

الزام اساسی اجرای اقتصاد مقاومتی، تقسیم مسئولیت صحیح بین تمامی اقشار جامعه است، در واقع باید زمینه ای فراهم شود تا اقشار مختلف جامعه به این موضوع پی ببرند که اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی به نفع آنهاست و این امر مهم میسر نمی شود مگر اینکه ابعاد اقتصاد مقاومتی از سوی افراد ذی نفوذ جامعه به درستی تبیین شده و مزایای آن از طریق همه ابزارهای رسانه ای به سمع و نظر مردم برسد. پس از آن یا به طور همزمان، بسترهای مورد نیاز برای اجرای هر یک از مفاد سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، مهیا گردد.

موضوع بعدی نیز این است که این سیاستها باید جایگاه خود را در نظام بودجهی کشور مشخص کند. یعنی در سند بودجهای که دولت هر ساله تدوین و برای تصویب به مجلس می فرستد، باید روح این سیاستها دیده شود. نباید بودجهی اقتصادی کشور تناسبی با سیاستهای اقتصاد مقاومتی نداشته باشد و حتی بدتر از آن، در بخشهایی در تناقض با سیاستهای اقتصاد مقاومتی باشد!

شرط بعدی آن است که ساختارهای موجود نظام بروکراتیک را متناسب با شرایط جدید و منطبق با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اصلاح کنیم. مثلاً باید ساختار تمرکز را از بین ببریم، یا باید فرآیندهای دولتی را الکترونیک کنیم. از سویی دیگر باید نیروی انسانی شاغل در بخش دولتی را آموزش دهیم و انگیزه‌ی لازم برای آن‌ها را به وجود بیاوریم.

در سند چشم‌انداز سه هدف روشن وجود دارد: یک این‌که از نظر تولید علم و فناوری در منطقه اول شویم. دوم، هویت اسلامی- ایرانی ما الهام‌بخش شود. و سوم این‌که از نظر اقتصادی در منطقه‌ی غرب آسیا کشور اول باشیم. در بحث تولید علم و فناوری در حال حاضر شتاب خوبی گرفته‌ایم و حتی برخی می‌گویند فراتر از افق سند چشم‌انداز حرکت کردیم. در بحث تبلیغ هویت اسلامی- ایرانی هم با وقایعی که در سال‌های اخیر در منطقه و جهان رخ داده، پیشرفت خوبی داشته‌ایم. اما در حوزه‌ی اقتصاد نیاز به تأمل و تلاش بیشتری داریم تا بتوانیم به آنچه ترسیم شده برسیم.

البته سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست دائمی ما است؛ یک افق بلند است، نه فقط یک افق ۲۰ ساله، ولی خیلی کمک می‌کند برای این‌که ما برسیم به آن جایگاه اقتصادی موجود در سند. شما سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را که نگاه کنید می‌بینید که در آن بسیار تأکید شده بر استفاده از منابع و ظرفیت‌های داخلی، تولید ملی، بهره‌وری و تولید دانش. همه‌ی این‌ها اجزا و شاخص‌هایی هستند که با همدیگر باید جمع شوند و بروند جلو تا به نقطه‌ی مطلوب برسیم. در حقیقت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مسیر رسیدن به آن اهداف عالی اقتصادی است که ما در نظر داریم.



از حوصله امی که به خرج دادید مشکرم